

بررسی عناصر هویت ساز در کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران

علی یاران^۱، حسین بهرو^۲ (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۱/۱۸

چکیده

زمینه و هدف: نما، یکی از عوامل تأثیر گذار بر معماری در مقیاس خرد و شهرسازی در مقیاس کلان است. از نما به عنوان فصل مشترک معماری و شهرسازی یاد می‌شود. شناخت مولفه‌های هویت ساز در این عنصر تأثیر گذار، که مستقیماً با روان و افکار آدمی در ارتباط است، در این مرحله حساس از معماری ما، که دچار سردرگمی است بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

روش بررسی: در این نوشتار با استفاده از ابزار پرسشنامه، در راستای سنجش مولفه‌های هویت ساز در کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران، از ۴۸۰ نفر که ساکن مجتمع‌های مسکونی انتخاب شده، جهت آزمایش بودند، اطلاعات مورد نیاز دریافت و در قالب ۱۹۲۰ داده آماری در نرم‌افزار Spss مورد تحلیل قرار گرفت. **یافته‌ها:** نتایج حاکی از آزمایش، نشانگر عوامل هویت ساز در کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران است که عبارتند از: نما و مصالح در ساختمانهای منفرد و همچنین همپیکری یا گروهی بودن، نحوه قرارگیری بلوکها نسبت به هم و نما در ساختمانهای خوشه ای.

نتیجه گیری: با شناخت مولفه‌های هویت ساز، می‌توان به تعیین الگویی مناسب برای کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران پرداخت، که در شکل گیری سیمایی با هویت برای شهر تهران می‌تواند نقش بسزایی ایفا کند.

واژه‌های کلیدی

هویت، ساختمان بلند مرتبه، مسکونی، نما، تهران.

۱. دکتری معماری، دانشیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ تهران

۱. مقدمه

در اولین ساخت و سازهای بشر، نما عاملی محافظ بوده، یعنی صرفاً وظیفه حفاظت از بنا را در برابر عوامل خارجی همچون (باد و باران، گزند حیوانات و مهاجمان) برعهده داشته، حال با گذشت چندین قرن، نما نه تنها وظیفه تاریخی خود را بر عهده دارد، بلکه وظایف مهمتری را نیز به دوش می‌کشد، همچون: ایجاد ارتباط با بیرون، معرفی بنا و شخصیت سازنده آن و از همه مهمتر ایجاد سیمای شهری که مستقیماً بر روان آدمی و افکارش تاثیر گذار است، به عبارت دیگر بر هویت بنا ارجح می‌نهد. امروزه نما عنصری بسیار تاثیرگذار و تعیین کننده در عرصه معماری و طراحی شهری به شمار می‌رود.

وقتی حرفی از یک بنا یا ساختمان به میان می‌آید، ناخودآگاه شکل ظاهری و نمای آن در ذهن تداعی می‌شود، این مطلب حاکی از تاثیرگذاری کالبد خارجی (نما) ساختمان در مقیاس خرد و سیمای شهری در مقیاس کلان بر روان آدمیست، سیمایی که همیشه خواه و ناخواه با آن در ارتباط است و از آن تاثیر می‌پذیرد.

امروزه کمتر کسی (سازنده یا معمار) به بهبود کیفیت سیمای شهری می‌پردازد و بدون توجه به کالبد اطراف بنا، به گونه‌ای سلیقه‌ای و کاملاً جدا از بافت موجود، به طراحی نما می‌پردازد، در شرایط موجود چنین به نظر می‌رسد که هر ساختمان از جهانی دیگر آمده است و هر کدام سخنی جداگانه دارند و این چندگانگی، اغتشاش در چهره شهر را به دنبال دارد. هرچند که موضوع اغتشاش و نابسامانی در چهره ساختمانها و سیمای شهری، یکی از مباحثی است که بیشترین منتقد را در بین صاحب نظران و طراحان به خود اختصاص داده، ولی با این حال منابع بسیار محدودی به صورت مستقل به این مباحث پرداخته است. در این جستار بیشتر سعی خواهد شد که به مقوله ناماسازی و سنجش هویت در نمای ساختمان‌های بلند مرتبه مسکونی، که ضرورت پرداختن به این مهم، در شهرهای بزرگ، بخصوص تهران بیشتر احساس می‌شود، که باید بصورت ریشه‌ای و علمی به آن پرداخته شود. در پژوهش حاضر فرض بر این بود که در نمای ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی منفرد، عواملی چون: رنگ - مصالح و در ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی خوشه‌ای، همپیکری یا گروهی بودن ساختمانها، عواملی هویت ساز به شمار می‌روند. در ادامه فرضیه می‌توان به این نکته اشاره کرد که، به طراحی نمای ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران، در سالهای اخیر به لحاظ هویتی کمتر بها داده شده است و

انتخاب رنگ و مصالح بدون توجه به شرایط و ویژگی‌های شهری و محیطی انجام شده است.

سوالات زیر، پرسشهایی هستند که در طول مقاله سعی بر یافتن پاسخ آنها می‌شود:

۱- درک افراد و ساکنین یک منطقه و شهر از هویت چیست؟

۲- کدام عوامل در هویت ساز بودن نمای ساختمان‌های بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران تاثیر گذارند؟

در این راستا، لزوم یافتن معنای هویت، چگونگی درک افراد و ساکنین یک منطقه و شهر از هویت، همچنین تعریف و توقعات از نما کاملاً محسوس است. ابتدا، رسیدن به درک و مفهومی کلی از واژه «هویت» ضروری است، زیرا که کلمه هویت در عین سادگی بسیار پیچیده و دشوار است، ساده است زیرا هرکسی از کلمه هویت به معنایی می‌رسد و پیچیده و دشوار است، بنا به تعبیر «اریک اریکسون»^۱، هرچه بیشتر به این موضوع پرداخته میشود، نامفهوم و سخت‌تر می‌شود.

۲. روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر کمی، از نوع توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزارهای منابع کتابخانه‌ای - استنادی، مشاهده و پرسشنامه انجام شده است. با توجه به عنوان پژوهش، جامعه آماری مورد نظر، کلیه ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران بود، اما با توجه به حجم محدود این پژوهش، در این بازه به بررسی ۴ نمونه، ۱- مجتمع مسکونی اکباتان ۲- مجتمع مسکونی نواب در قسمت ساختمانهای خوشه‌ای و ساختمانهای ۳- پارسا ۴- اسکان در قسمت ساختمانهای منفرد، مورد پژوهش قرار گرفتند. با نظر به اینکه تعداد خانوارهای ساکن در مجتمع‌های مسکونی یاد شده، بسیار زیاد بود، بررسی و جمع آوری اطلاعات از همه آنها امکان‌پذیر نبود، جهت سرعت بخشیدن به روند ادامه پژوهش به تعیین نمونه پرداخته شد. طبق جدول برآورد نمونه آماری «مورگان»^۲، جامعه آماری در این پژوهش ۳۸۲ نفر تعیین گردید، که در این راستا، جهت افزایش ضریب اطمینان و اعتماد کامل، حجم نمونه آماری به ۴۸۰ نفر تبدیل شد. جهت آزمایش فرضیه در نمونه‌های انتخاب شده، برای مجتمع‌های مسکونی خوشه‌ای، ۵ سوال و برای مجتمع‌های مسکونی منفرد، ۳ سوال طرح گردید. اطلاعات مورد نیاز در ۴ مجتمع مسکونی یاد شده و از ۴۸۰ نفر که یا ساکن آن

هویت گویند. هویت به دو دسته جمعی و فردی تقسیم می‌شود. هویت فردی، مربوط به احساس فرد به خود و تمایزاتی است با مؤلفه‌هایی مثل اسم، ملیت، قومیت، تمایلات شخصی، فکری، ارزشی و یا جهان بینی که او را از دیگری متمایز می‌کند و هویت جمعی، به احساس مشترک یک جمع مثل اقلیت‌های قومی و دینی، گروه‌های کوچک و بزرگ اجتماعی و... باز میگردد. وجود منابع مشترک، همه افراد دارای هویت مشترک را به هم وصل می‌کند. اما هویت ملی گونه‌ای از هویت جمعی است که امروزه در آغاز هزاره سوم میلادی، به یکی از چارچوب‌های وحدت بخش در مباحث علوم اجتماعی تبدیل شده است. بدین معنا که انواع دیگر هویت‌ها در چارچوب هویت ملی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند، برای مثال هویت فردی، پدیده‌ای است که کاملاً تحت تأثیر و نفوذ هویت ملی قرار دارد. جامعه‌شناسان، هویت ملی را نوعی احساس خود بودن جمعی دانسته‌اند، یعنی با دیگران تفاوت داشتن و در عین پیوند یا حتی آمیختگی، جدایی و فاصله را نگه داشتن است. به بیان دیگر نوعی احساس تعهد و تعلق نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات ملی جامعه است که موجب وحدت و انسجام می‌شود (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۷-۵۶). مروری بر مفاهیم مرتبط با هویت نشان می‌دهد که توجه به هویت، هم جنبه معنوی و غیر مادی و هم جنبه مادی و کالبدی دارد. جنبه‌های مختلف هویت نمی‌تواند منفک و منتزع و مستقل از یکدیگر مطرح شود، هر کدام از آنها بر دیگری تأثیر دارند.

هویت چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی به شخص تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را بطور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خود نشان دهد. هویت، بازتابی از خود آگاهی شخصی به خود تعریف می‌شود (حبیب و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴).

۳-۳- هویت، تقلیدی از گذشته یا نوآوری؟

در اکثر موارد زمانی که حرف از هویت به میان می‌آید، ناخودآگاه هویت را در گذشته و تاریخ معماری جستجو می‌کنیم، به تعبیر «استوارت هال»، هویت روندی در حال شدن است، پس تقلید از گذشته و استفاده از نمادها و سمبل‌های گاه هویت ساز گذشته، در هویت سازی در جامعه و محیط امروزی امری بی‌معناست و صرفاً تکرار عناصر گذشته تاریخی است، که آن را شیوه تکرار الگوهای گذشته می‌نامیم (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۷).

مجموعه‌ها بودند و یا بعنوان ناظر در محیط اطراف مجتمع‌ها با ساختمانها به لحاظ بصری در ارتباط بودند، کسب شد و نتایج در قالب ۱۹۲۰ داده آماری، در نرم‌افزار Spss مورد تحلیل قرار گرفت.

۳. مرور ادبیات

۳-۱- مفاهیم واژه هویت

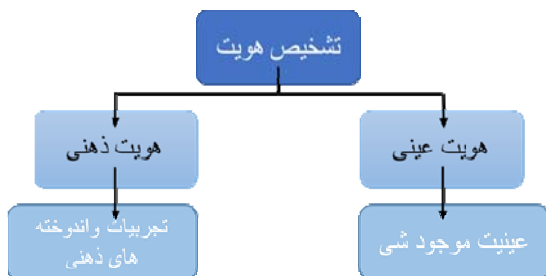
«فرهنگ فارسی معین»، واژه «هویت» را چنین تعریف کرده است: آنچه که موجب شناسایی شخص باشد، باعث تمایز یک فرد از دیگری می‌شود. در فرهنگ لغات و اصطلاحات فلسفی، منظور از کلمه هویت اشاره به ذات و تشخیص موجودات دارد. واژه عربی «هویت» دارای کاربرد فلسفی می‌باشد، که عبارت است: از دو چیز که با هم در وجود و حقیقت یکی باشند، هر چند که دارای بعضی وجوه افتراق باشند. «فرهنگ عمید» نیز هویت را حقیقت شی یا شخص می‌داند، که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. همچنین مقابل واژه هویت، لغات شخصیت، ذات، هستی و وجود را آورده است (قطبی، ۱۳۸۷: ۷۹).

۳-۲- هویت از منظر صاحب‌نظران

«اریکسون» (جامعه‌شناس) مفهوم هویت را قائل به دو بخش می‌داند، اول یکی شدن با خود و دیگری در بعضی اجزای ذاتی. او فرآیند هویت را یک سیستم کنترل می‌داند، که مجموعه‌ای از هنجارها و ناهنجارها را در فرد به وجود می‌آورد. «استوارت هال^۳» (نظریه پرداز فرهنگی انگلیسی) نیز چهره‌های موثر پیشرفت مطالعات فرهنگی در انگلیس) نیز هویت را یک روند در حال شدن می‌داند که یک شناسنامه و عامل شناخته شدن است. همچنین به نظر «چارلز جنکز^۴» هویت به خودی خود دم دست نیست، بلکه باید همواره تثبیت شود. هویت طبقه بندی اشیاء، افراد و مرتبط ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر (مثلاً یک دوست، یک قهرمان، یک حزب و...) است.

«احمد اشرف» از جمله صاحب‌نظران اسلامی هویت رابه معنای هستی و وجود می‌داند، چیزی که وسیله شناسایی فرد باشد، یعنی مجموعه ویژگی‌های فردی و خصوصیات رفتاری که از روی آن فرد به عنوان یک گروه اجتماعی شناخته شود و از دیگران متمایز شود، صاحب نظر اسلامی دیگر، «صدرالمطالین شیرازی»، هویت هر موجودی را نحوه خاص وجود او می‌داند و می‌گوید در انسان هویت واحده است، که متشأن به شئون مختلف می‌شود. افراد انسانی را مشخصاتی است، که به واسطه آن هریک از دیگری متمایزند و تا آخر عمر وحدت شخصیت در آن‌ها باقی است و به آن

که ارتباط کامل با اندوخته‌های ذهنی فرد از تجربیات مستقیم تا فرهنگ و سنت او دارد (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۲۲). با این تفاسیر می‌توان گفت که هویت دار بودن یک منظره یا نمای خارجی یک ساختمان از نظر افراد متفاوت است، زیرا که اندوخته‌های ذهنی افراد در مورد هویت و در کل تفسیر هویت هر کس با دیگری متفاوت است.



نمودار ۱. فرآیند تشخیص هویت (مأخذ: نگارندگان)

در این بخش از نوشتار، در مقیاس کلان (شهر) به شناخت مولفه‌های هویتی پرداخته شد که عبارتند از: هویت طبیعی، انسانی و هویت مصنوعی. در ادامه، طبق نمودار زیر که نمایانگر سلسله مراتب هویتی در کالبد خارجی ساختمانهای مسکونی است، به شناخت این مولفه‌ها در مقیاس خرد (ساختمانها)، پرداخته شد.

۵. مؤلفه‌های هویتی شهر

برای تشخیص و احراز هویت یک شهر، در مقیاس کلان مؤلفه‌هایی بصورت مستقیم تاثیر گذارند، که عبارتند از: ۱- هویت طبیعی ۲- هویت انسانی ۳- هویت مصنوعی.

۵-۱- هویت طبیعی

هر شهری از جایگاه ویژه طبیعی برخوردار است که آن را از سایر شهرها متمایز می‌کند. ویژگی‌های بستر طبیعی هر شهری، بخشی از هویت شهر را به تصویر می‌کشد. که در قالب هویت طبیعی شهر قابل تعریف است. از آن جمله می‌توان به رشته کوهها، کویر، معادن طبیعی گسترده در پیرامون آن شهر اشاره کرد. شناخت مؤلفه‌های طبیعی در شش شاخه قابل بررسی است:

- ۱- جایگاه کلی طبیعی (عرض و طول جغرافیایی آن شهر و شاخص‌های وابسته)
- ۲- مؤلفه‌های ساختاری جغرافیایی (توپوگرافی، هیدروگرافی و شاخص‌های وابسته)
- ۳- مؤلفه‌های ساختاری طبیعی (رودها-دره‌ها)
- ۴- مؤلفه‌های حوزه‌ای و ساختی طبیعی (تنوع خاک، پوشش گیاهی و سرریز حوضه‌ها)

همچنانکه اگر اشکال، فرمها و بطور خلاصه، کالبد گذشته تکرار شوند، نامی جز واپسگرایی را نخواهد یافت. در صورتی که پذیرش اصول و ارزشهای اصیل فرهنگی و هویت بخش گذشته، به همراه تجلی مطابق نیاز انسان و بومی نمودن هر آنچه که از سایر تمدن‌ها، تزاخم و تضادی با ارزشهای فرهنگی جامعه ندارد، نوگرایی مطلوب خواهد بود (نقی زاده، ۱۳۷۹: ۹۰).

«الکساندر»^۵ در این زمینه معتقد است، که هویت در بناها نه ناشی از تاریخی بودن و نه ناشی از ابتدایی بودن روند احداث آنهاست، تنها ملازمت و همراهی ضرورت‌ها، اهمیت دارد.

در واقع هویت همان ماهیتی است که در برابر زمان مقاومت می‌کند، ولی «خود» در زمان شکل می‌گیرد و بی آن ناپدید می‌شود (مهردوی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

۴. نحوه شکل یافتن تصویر در ذهن ناظر

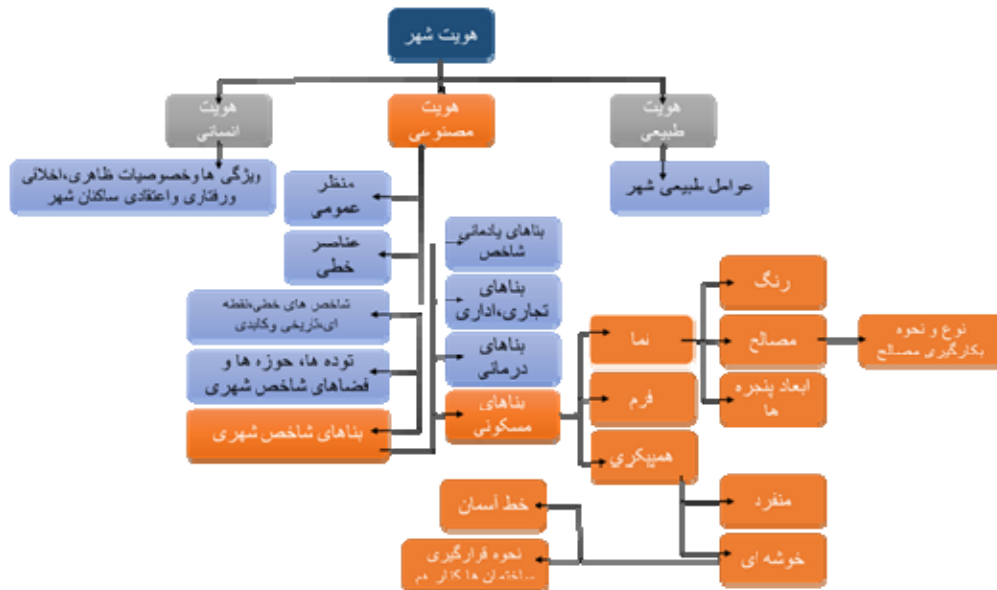
ایجاد تصویری از محیط، جریانی دو جانبه است، بین ناظر و منظره مورد مشاهده وی. آنچه که ناظر مشاهده می‌کند، بر اساس فرم خارجی عوامل موجود در منظره است، اما وی چگونه منظره را ترجمه می‌کند و در ذهن خود نظام می‌دهد و چگونه توجه خود را معطوف منظره می‌سازد، هر دو نکاتی هستند که به نوبت خود، در منظره مورد مشاهده او تاثیر می‌گذارند. ارگانیسم وجود آدمی تطابق‌پذیر و انعطاف‌پذیر است و مردم گوناگون ممکن است تصاویری کاملاً متفاوت از یک منظره در ذهن داشته باشند (لینچ، ۱۳۷۲: ۲۴۰). با این تفاسیر می‌توان گفت که تشخیص هویت در یک منظره یا نمای یک ساختمان نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۴-۱- فرآیند تشخیص و درک محیطی هویت

ادراک محیطی فرآیندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود بر می‌گزیند و در حقیقت، ادراک محیطی از تعامل ادراک حسی و شناخت که در ذهن انسان و در روان بناها تجربه شده‌اند، حادث می‌شود (مطلبی، ۱۳۸۰: ۵۵). فرآیند تشخیص هویت فرآیندی است، قیاسی بین عینیت موجود با داده‌هایی از آن در ذهن. هر ابژه یا فرضاً با یک موجودیت خارجی مستقل در فرآیند ادراک، تبدیل به یک پدیده ذهنی می‌شود. ما در این فرآیند از تصویر ادراکی و ذهنیت خود بهره گرفته و فضا را با آن می‌سنجیم. لذا تشخیص هویت نوعی ارزش گذاری یا تعیین کیفیت است

۶- مؤلفه‌های نقطه‌ای - خطی (همان، ۵۷).

۵- مؤلفه‌های نقطه‌ای (چشمه‌ها، تپه‌ها و مشابه)



نمودار ۲. مؤلفه‌های تشکیل دهنده هویت شهر در مقیاس کلان - بررسی عوامل هویت ساز در ساختمانهای مسکونی در مقیاس خرد (مأخذ: نگارندگان)



تصویر ۱. عوامل طبیعی هویتی تهران مأخذ: آرشو شخصی نگارندگان

و هویت طبیعی از آن یاد شد، یکی از عوامل اصلی شکل گیری هویت شهری مطرح می‌باشند. هویت مصنوعی، ابعاد مختلف ساخت و استخوانبندی اصلی شهر مشتمل بر مشخصات کالبدی، مشخصات عملکردی، مشخصات فضایی و بصری را در بر می‌گیرد (خطیبی، ۱۳۹۲: ۶۵).

در تعریف هویت مصنوعی، «راپاپورت»^۷ هویت را خصوصیتی از محیط که در شرایط مختلف تغییر نمی‌کند و یا خصوصیتی که موجبات قابلیت تمیز و تشخیص عنصری را از دیگری فراهم می‌آورد و عناصر شهری را از یکدیگر متمایز می‌سازد، تعریف می‌کند.

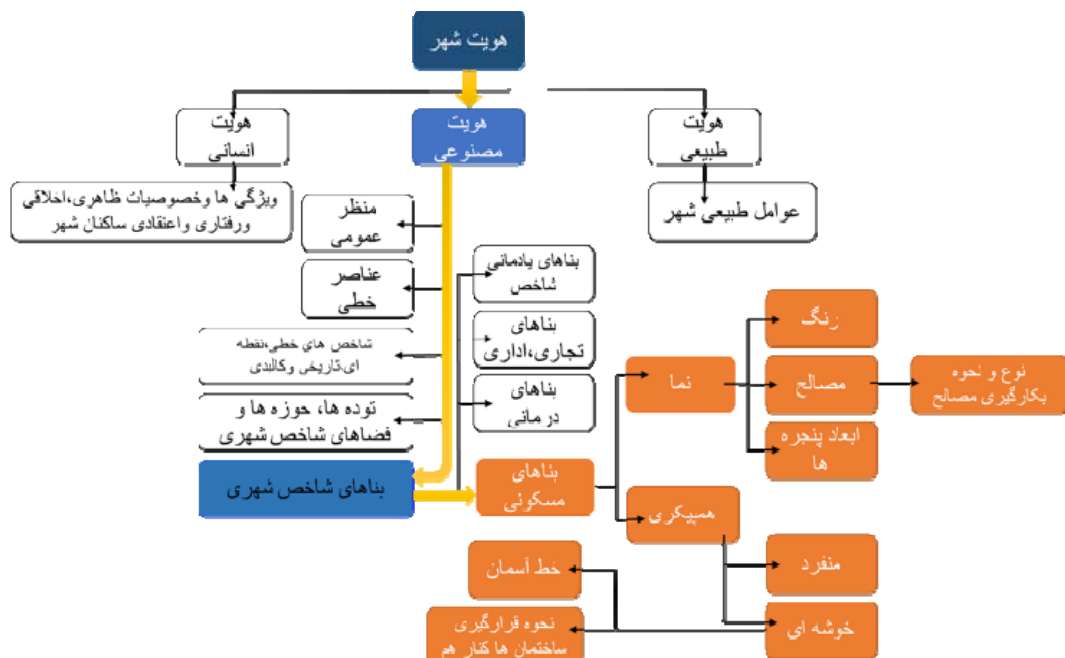
«لینچ»^۷ در کتاب شکل خوب شهر، هویت را به معنی بسیار ساده تعریف می‌کند: هویت یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکانها مورد شناسایی قرار دهد، به گونه‌ای که شخصیتی مشخص و منحصر به فرد داشته باشد (سلسله و سلسله، ۱۳۸۸: ۵۳).

۲-۵- هویت انسانی

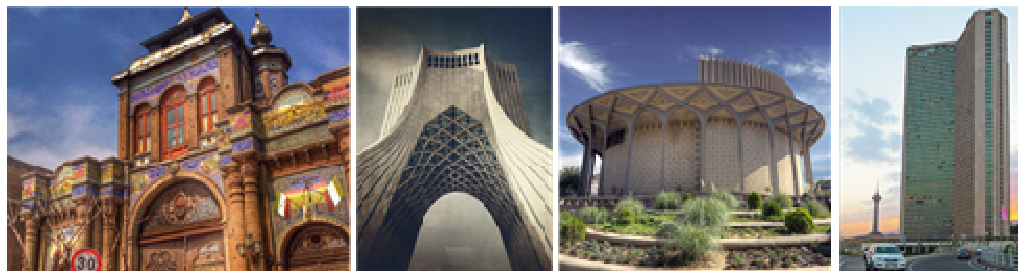
مؤلفه‌های انسانی هر شهری متأثر از نحوه اعمال، آداب و رسوم، اعتقادات، سیره و روش زندگی ساکنان آن شهر است و بیش از هر چیز به جنبه‌های مدنی شهروندان بر می‌گردد. از اجتماع مؤلفه‌های هویتی هر شهری نگرش واحدی نسبت به هویت آن شهر بدست می‌آید. با تکمیل نگرش حاضر از طریق اتکا به مبانی نظری می‌توان خلاهای هویتی شهر را باز شناسایی کرد. سرلوحه این مؤلفه انسانی لهجه یا زبان آن شهر است که مورد توجه قرار می‌گیرد (همان، ۶۴).

۳-۵- هویت مصنوعی

ساخته‌های دست بشر و عناصر کالبدی مصنوعی، با تمام ویژگی‌های حاکم بر آن همچون فرم، ابعاد، اندازه و تناسبات به عنوان تبلور کالبدی ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، طبیعی و محیطی که تحت عناوین هویت انسانی



نمودار ۳. بررسی مؤلفه‌های هویت مصنوعی شهر-عوامل هویت ساز ساختمانهای مسکونی (مآخذ: نگارندگان)



تصویر ۲. عوامل مصنوعی هویتی شهر تهران (مآخذ: آرشیو شخصی نگارندگان)

۱۳۹۱: ۶۲). مطالعات حاکی از این است که: انسان گرایش دارد اشیایی را درک کند که مخالف با زمینه موجود است، مثلاً در محله‌ای متروک و مهجور، وجود برجی زیبا بیشتر به دل می‌نشیند (حبیب و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۸). مهمترین شخص در ارائه تعریف از نمادها و شناسایی آن در شهر «کوبین لینچ» بود. او سیمای شهر را بر اساس پنج عامل: راه، لبه، گره، محله و نشانه تقسیم بندی کرده است. «لینچ» در تعریف نشانه یا همان سمبل و نمادها آورده است: معمولاً اشیایی که ظاهری مشخص دارند، مانند ساختمانها، علائم و ... هستند. خصوصیات نشانه باید چنان باشد که بتوان آن را از میان عوامل بسیار باز شناخت، پاره‌ای از نشانه‌ها که بر پاره‌ای عوامل کوچک قد برافراشته اند، می‌توان از دور به زوایای مختلف تمیز داد و در جهت یابی آنها را از تمام جوانب مورد استفاده قرار داد. ممکن است نشانه‌ها در داخل شهر باشند یا به اندازه‌های دور که مدام جهت‌ی خاص را مشخص دارند (لطفی و محمدی، ۱۳۹۱: ۶۴).

۵-۳-۱- نمادها و بناهای شاخص شهری

در سیمای شهر نشانه، عاملی است که از محیط دور و نزدیک متمایز است. نشانه‌های شهری به منزله عوامل هدایت کننده‌ای هستند که مردم را در جهت یابی و خوانایی موقعیت شهری راهنمایی می‌کنند. کاربری نشانه‌های شهری و نوع فعالیت‌هایی که در آنها صورت می‌گیرد، می‌تواند طیف وسیعی از انواع کاربری‌های شهری را اعم از مذهبی، تجاری، مسکونی، عنصر یادمانی و... را در برگیرد (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۱۴۳). از جمله عناصر مهم هویت بخش شهرها نمادها هستند، که بصورت شناسنامه‌ای گویا از گذشته و حال شهر، نقش اصلی در معرفی آن به مخاطب دارند. نمادها و المانهای شهری از جمله بناهای مهم در طراحی معماری و طراحی شهری محسوب می‌شوند، به نحوی که گاه حتی از خود شهر پر اهمیت‌تر جلوه می‌نمایند، چرا که بیانگر هویت، شخصیت و عصاره شهر در یک ساختمان نمایان هستند (لطفی،



تصویر ۳. نمونه‌ای از بناها و نمادهای شهری (مأخذ: آرشیو شخصی نگارندگان)

ونک، در تقاطع خیابان میر داماد واقع شده است و ساخت آنها به اوایل ۱۳۵۰ مربوط است. این برج‌ها به علت سبک معماری، ارتفاع زیاد و موقعیت قرارگیری در کنار چند راه اصلی شهر در بافت پیرامون نمود قابل توجهی دارد نمایانی و خوانایی برجهای سه گانه از فواصل دور حایز اهمیت است (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۱۴۴). همچنین برج آزادی نیز به جهت موقعیت قرارگیری، کالبدی مرتفع و عنصری نمادین با کارکرد فرهنگی-موزه‌ای یکی از عناصر شاخص، با اهمیت و شاید مهمترین عنصر معماری، به عنوان نشانه و نماد در شهر تهران قلمداد می‌شود (همان، ۲۳۴).

چنانکه در مطالب گذشته ذکر شد نمادهای شهری می‌توانند کاربری‌های متفاوتی داشته باشند که در این بحث به بناهای بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران پرداخته می‌شود، که گاهی اوقات این بناها یا به دلیل ارتفاع‌شان، یا ویژگی‌های کالبدی و یا گاهی بدلیل خوشه‌ای و گروهی بودن القا کننده معانی خاصی‌اند و در بعضی موارد هویت یا اعتباری که این ساختمانها به بخشی از شهر و یا کل آن می‌دهد، قابل بررسی و پژوهش است، که در نمونه‌های موردی سعی به پرداختن این موارد می‌شود. برای مثال ساختمانهای اسکان در خیابان ولیعصر (عج) بالاتر از میدان



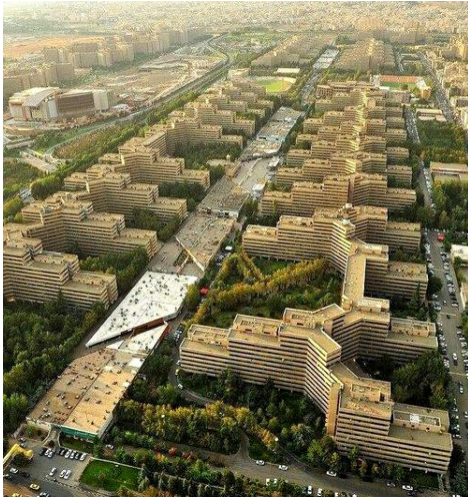
تصویر ۴. نمونه بناهای شاخص هویتی در شهر تهران (مأخذ: آرشیو شخصی نگارندگان)

«هارالد دایلمان^۱» و همکارانش در بررسی مختصر خود از نما به ۴ عملکرد که از نما انتظار می‌رود، پرداخته‌اند:

- ۱- حفاظت (قدیمی‌ترین و تاریخی‌ترین وظیفه نما)
- ۲- ایجاد ارتباط (انسان نیاز به نور و تهویه هوا داشت و همچنین نیاز به ارتباط با جامعه)
- ۳- معرفی (از زمانی که لباس فرد معرف شخصیت وی شد، نمای خانه نیز همچون لباس معرف و نمایانگر شخصیت صاحبش شد).
- ۴- جزیی از یک کل (فضای شهری) نمای ساختمان عنصری منزوی و خود بسنده نیست، بلکه جزیی از یک کل بنام سیمای شهری است که کیفیت نمای ساختمان به سیمای شهری تاثیر گذار است (پاکزاد، ۱۳۸۲: ۵۳). نمای

۵-۳-۲- نما، عاملی هویت ساز

«دکتر جهان‌شاه پاکزاد»، نما را سطوح تشکیل دهنده هر بنا نامیده و معتقد است که هر نما جزئی است از بدنه که پوسته یا پوسته‌های ظاهری هر بنا یا ساختمان را تشکیل میدهد. نما در عمل پرده‌ای است که درون ساختمان را از بیرون آن جدا می‌کند و به همین دلیل عنصری است دارای دو بعد، یک بعد انفرادی (شخصی) و دوم بعد اجتماعی. هر بنا یا ساختمان دارای چهار جبهه نما می‌باشد، که نمای رو به رو، یا رو کرده به فضای شهری را جبهه اصلی یا «فاساد^۱»، نمای پشت را جبهه پسین و دو نمای دیگر را در صورت عدم اتصال به بافت پیرامون جبهه‌های فرعی بنا می‌نامند (فاضلی و ماهوتیها، ۱۳۹۲: ۳۴).



تصویر ۵. شهرک اکباتان (مأخذ (2015), www.parsine.com)

در طبیعت نیز مثالهایی برای اثبات هویت ساز بودن گروه بندی و همپیکری وجود دارد: رشته کوههای آلپ با هیبت و قله‌های تیز و پوشیده از برفش در سراسر اروپا و حتی جهان تداعی کننده کشور سویس در ذهن هاست. برای این بحث مثالی از شهر تهران ملموس‌تر به نظر می‌آید: ساختمانهای شهرک اکباتان، شهرکی که پس از گذشت نزدیک به سه دهه به یکی از بزرگترین و با هویت‌ترین محله‌های شهر تهران تبدیل شده است، یک نشانه شهری که دور نمای آن از فاصله ده کیلومتری اتوبان کرج و جاده مخصوص نمایان است (کیمیاقلم، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

۵-۳-۴- رنگ و مصالح در نما

رنگ نیز مانند ادبیات و شعر، در زندگی انسان تاثیر می‌گذارد.

فعالیت، تاثیر ذهنی، فکری و فیزیکی رنگها بر روی اعصاب تماما آزمایش شده است و حتی خیلی مذاهب با مفاهیم رنگها آشنایی کامل داشته‌اند و آنها را به صورت فرمول و سمبل در آورده اند.

در روح و مغز انسان، یک رنگ به اندازه یک صدا تاثیر می‌گذارد (اسدالله زاده، ۱۳۵۳: ۸۲). رنگ یکی از مهمترین ابزارهایی است که می‌تواند جهت حفظ و تقویت خوانایی و هویت در تک تک فضاهای شهری مورد استفاده قرار گیرد. رنگها معانی نمادین دارند و حتی در تصورات ذهنی ما هر بنا با رنگهای خاصی تداعی می‌شود، مثلا رنگهای فیروزه‌ای و آبی، یادآور بناهای مذهبی و مساجداند و همچنین رنگهای مختلف می‌توانند یادآور زمانها، معانی و وقایع خاص باشند.

ساختمانهای مختلف به علت مشرف بودن آنها به فضاهای عمومی، نماهای شهری را به وجود می‌آورند. نمای شهر به عنوان مهمترین عامل ارتباطی شهر با بیننده زبان گویای یک شهر است که حالت شهر را به بیننده القا می‌کند.

نماهای شهری ارتباط فضاهای شهری را با بیننده برقرار ساخته و بیشترین تاثیرات بصری را بر ناظر شهری دارند (عزیزی و متوسلی، ۱۳۹۱: ۹۵). هیچ اثر مصنوعی (شامل ساختمانها) در قلمروهای انسانی بدون معنی نیست. وقتی که می‌خواهیم عملکردهای درست و عمیق‌تر معماری را تعریف کنیم، حقیقتا محصولی خاص از اثری مصنوع را توصیف نمی‌کنیم، بلکه در مورد یکی از راههای اصلی که خود را می‌شناسیم و آن به ما هویت می‌دهد، توضیح می‌دهیم (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲). هویت کالبدی شهر و عناصر آن، بر خلاف هویت طبیعی وجه هویت شخصیتی انسان که منحصر بر ظواهر می‌باشد، متشکل از ویژگی‌های کالبدی به انضمام معانی‌ای است که از ظواهر و کالبد مستفاد می‌شوند. در توضیح این مطلب می‌توان گفت که: مثلا رنگ چهره یا قد و اندازه یک فرد شناسه‌های هویت شخصی او هستند، که الزاما معنویتی را بروز نمی‌دهند، یا نباید که بروز دهند. اما اندازه، فرم، ابعاد و سایر اشکال ظاهری یک عنصر یا فضای شهری، علاوه بر آنکه نمایشگر هویت کالبدی و عامل تمیز ظاهری آن عنصر یا فضا با سایر عناصر و فضاهای شهری هستند، ممکن است بیانگر معانی خاصی نیز باشند که این معانی از فرهنگ سازنده اش حکایت می‌کنند (نقی زاده، ۱۳۸۶: ۳۴۸). در نهایت می‌توان گفت که نه تنها هر شی واجد هویتی است، بلکه این هویت به صفاتی متصف است، که این صفات حاصل عمل آن شی و معرف ویژگی‌های معنوی آن هویت می‌باشد که در ظاهر و کالبد تجلی یافته است (حبیب و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴). کالبد را می‌توان به معنی جسم و تن دانست، در مقابل روح و روان. ارزش کالبد به روح و جان است و بدون آن اهمیت چندانی ندارد. با این حال وقتی که روح و جان ارزشمند باشند، کالبد تهی نیز ارزشمند خواهد بود (میرمقتدایی، ۱۳۸۳: ۳۴).

۵-۳-۳- همپیکری و گروه‌بندی، عاملی هویت ساز

همپیکری و گروه بندی ساختمانها، گونه‌های مختلف خانه ها، و شیوه‌های ساخت و ساز در گذر زمان مدلهایی از خود نشان میدهند که نمی‌توان آنها را اتفاقی تلقی کرد، بلکه خبر از شماهای کلی و معناداری می‌دهند (شولتس، ۱۳۸۷: ۲۵۴).

بی توجهی به شخصیت خاص شهر، به گونه‌ای مطابق با مد رایج، رنگ را بر چهره ساختمان خود بکار برد (عین اللهی، ۱۳۹۲: ۲۱، ۲۲).

همانطور که قبلاً عنوان شد، رنگ‌های بکارگرفته شده در طراحی نمای ساختمان (بعنوان جزئی از یک سیستم بزرگتر) تأثیر مستقیمی در حس و حال و شخصیت فضای شهری مجاور و کل شهر دارد و از این رو همواره مورد توجه طراحان شهری است و از سویی دیگر رنگ

نما مانند آرایش صورت بنا نقش بسزایی بر جلوه ظاهری بنا و فروش آن دارد و از این حیث همواره معماران و سازندگان آن را به عنوان پتانسیلی برای فروش بهتر کالای خود می‌نگرند (همان، ۲۲).

ترکیب رنگها در سیمای شهری

اهمیت منظر شهری از آن حیث است که ابعاد غیر کالبدی شهر مانند ارزش ها، هویت، سلايق زیباشناختی، طبیعت، تاریخ و مذهب یک شهر را نشان می‌دهد، بنابراین تک تک اجزای آن، این رسالت را بر دوش دارند، که در هماهنگی با بقیه عناصر، نقش خود را به خوبی ایفا کنند. در انتخاب رنگ هر نما توجه به شخصیت و حس و حال فضای شهری مجاور اهمیت ویژه‌ای دارد. برخی فضاهای شهری که رنگ بناهای پیرامون آن بدرستی انتخاب شده است، بدلیل تنوع رنگی بجا و حساب شده، سرزنده و متنوع است (همان، ۲۳).

برای مثال رنگهای سبز، تیره و سیاه تداعی کننده مراسم عاشورا در ذهنمان هستند. پس در این میان، رنگ ابزاری است برای حفظ هویت و حس مکان در هر شهر و فضای شهری.

اکنون که شهرهای ما بشدت دچار اغتشاش و بی هویتی رنگی شده اند، با نام بردن شهر هایی خاص طیفهای رنگی مشخص در ذهن ما زنده می‌شود و این همان انتظار و توقعی است که ما از هویت و نقش رنگ در شهر داریم (بهزادفر، ۱۳۹۰: ۶۳-۶۲).

شهرهای قدیمی ما چهره‌ای مشخص، زیبا و فاخر داشتند. اجزای تشکیل دهنده منظر این شهرها به گونه‌ای در کنار هم قرار می‌گرفتند که گویی کلیتی واحد را تشکیل می‌دهند.

رنگهای بکار رفته در منظر این شهرها محدود و ناشی از طبیعت همان منطقه بودند، به عبارت دیگر در این شهرها رنگهای طبیعی مصالح محلی که بناها به وسیله آنها ساخته می‌شد، به شهر چهره‌ای هماهنگ و همگون می‌داد و با روحیه و اقلیم و فرهنگ مردم نیز بیشتر تطابق داشت. به این ترتیب رنگ هر شهر تثبیت شده و جنبه‌ای از هویت آن شهر محسوب می‌شد.

اما امروزه با پیشرفت فناوری و ظهور مصالح و پوشش‌های رنگی جدید و سلیقه‌ای شدن مسئله، گویی هرکس (سازنده یا معمار) به این صرافت افتاده است که با



تصویر ۶. بافت تاریخی طبیعی روستای ایبانه و ماسوله (مأخذ: آرشیو شخصی نگارندگان)

جدول ۱: بررسی رنگها و تاثیرشان بر روان آدمی (مأخذ: نگارندگان، با اقتباس از منابع پژوهش)

| رنگ | معنا و تاثیر بر روان آدمی |
|--------------|--|
| yellow - زرد | رنگ زرد، رنگ روح دُر و کتابه می است. حورسبه، حورحلی و رمکیت شخت و نور |
| red - قرمز | رنگ قرمز دُر می سدیدترین قدرت جذب است. رنگ قرمز رنگی است متین، متجاوز و تهبیب کننده. رنگ قرمز حضور کمی در سمن ایجاد سعادت و استغنی می کند. این رنگ با خسه، عصب، حشر، سبخت، چر آب و مردنی و پخته حسی در د |
| blue - آبی | این رنگیست، هاله، روس، استکت و سلیو سوده، رنگ آبی، یکجست نیسو و کنده ورمسکتیوی روی سحر لاسر، رونی، مدر، پهلک و ر به جهانی، نور می کنده |
| green - سبز | سبز، یکجست حشر، ه زود، ر جز و هبسته میز، که لیز، اعلابیت تسمیه سوز و به یی دلایل به سحر می رسد که رنگ آبی است. این رنگ در مذهب سبیل یعنی وغبند، تیب و تو کی وشمذیری، بدیت و هوی است |
| white - سفید | حلو، هفت، یا سنی، هصوت، بیکنی، وحبیت ر معنی این رنگ، رنگ سفید سبیل صبح و دوستی است |
| black - سیاه | مید رنگی است سحر کننده، ه کنده و سناثر کند، کرده و در مین حلی مچس، مولف و هبیب، این رنگ سبیلی است یری، حشفا بوستندگی و ر دُر، تبهام و تویر و جبیت |



تصویر ۷. ترکیب موفق رنگ در بدنه شهری (مأخذ: آرشیو شخصی نگارندگان)

رنگ آمیزی (به خوبی مشهود بود، بر خلاف امروز که هر کس و هر بنایی سعی در خود نمایی هر چه بیشتر دارد (همان، ۲۲). در معماری امروز از مصالح مختلف جهت نماسازی استفاده می شود، این مصالح در ایران عبارتند از: آجر- سنگ - نماسازی با اندود - چوب - آلیاژهای مسی - فلزات - کامپوزیتها و... که هر کدام از این مصالح اثرات خاصی بر بیننده نما می گذارد که به چند مورد آنها اشاره می کنیم:

امروزه هیچ تفاوتی نمی کند که نما در کدام شهر و کدام اقلیم طراحی می شود، یزد باشد یا تهران، اردبیل باشد یا کرج، هر معمار و سازنده ای سعی می کند از مصالح بروز، اصطلاحاً شکل و پر زرق و برق استفاده کند، شیوع کاربرد انواع شیشه رفلکس و نماهایی از جنس آلکوبان شاهدی بر این ادعاست. این در حالی است که در گذشته ساختمانها هم مانند مالکانشان سعی در فروتنی داشتند و این موضوع در سادگی و بی پیرایگی نماها (چه در مصالح و چه در

جدول ۲: بررسی تاثیر مصالح نمای ساختمان بر ناظر (مآخذ: نگارندگان، با اقتباس از منابع پژوهش)

| نوع مصالح در نما | تاثیر بر افراد و ناظرین |
|------------------------------|--|
| نمایازی با آجر | نمای سازی با آجر به نما کیفیت ویژه ای می بخشد و همچنین تدوین مناسبی به ساختمانها می دهد |
| نمای سازی با سنگ | نمای سازی با سنگ در ذهن بیننده مظهری از استحکام و دوام به جامی گذارد |
| نمای سازی با بتن | نمایهای بتنی چنانچه ساده رها شوند سرد و بی روح هستند ولی اگر بزیر خورده وارسته شوند از سردی و بی روحی آنها کاسته می شود |
| نمای سازی با شیشه | نمایهای سراسر شیشه ایجاد انعکاس شدید در جداره می نماید و در سربزمینهای بر آفتاب مانند آرن ایجاد خیرگی می نماید که این خیرگی ناشی از انعکاس خورشید بر سطح نما نه فقط بر بی هابری و رنگدگان ایجاد مزاحمت می نماید بلکه بر بی ساختمانهای مجاور نیز مشکل ساز است |
| نمای سازی با ورق های گلبوزیت | نمایهای گلبوزیتی سطوح صیقلی ایجاد می نماید که سبب می شود آلودگی را کمتر نشان دهد، ولی در ضمن این سطوح نیز درزی سطوح منعکس کننده می باشد که بهیستی از نظر خیرگی مورد بررسی قرار گیرد |

هر پنجره‌ای که رو به کوچه، خیابان و میدان شهر ما، روی دیوار کار گذارده می‌شود، وجودش و شکلش و رنگ آمیزی اش، فقط به سازنده اش مربوط نمی‌شود که بتواند به هر بیانی که می‌خواهد بسازدش (فلامکی، ۱۳۸۹: ۶۶۵).

پنجره، فقط فضای درونی را به فضای بیرونی متصل نمی‌کند، این دو را با یکدیگر یگانه می‌کند (همان، ۶۶۷).

تعداد پر شماری پنجره بسیار ساده، چهار گوش و چهار گوش کمی بلند را روی نماهای شهرمان می‌بینیم که، به نظمی هندسی روی دیوار و به تعداد طبقات ساختمان، به صورتی برابر روی نماها کار گذاشته شده‌اند. این گونه پنجره‌ها که یادآور آپارتمان سازی و رواج آن در تهران است، نمایانگر ساده‌ترین و خشکترین تصویرهای معماری شهر ما هستند. فقط شب‌ها که چراغی پشت آنها روشن می‌شود، سخنی از حیات دارند. این پنجره‌ها و نماهای بس ساده و فقیر آنها، خشکترین منظر را هنگامی بدست می‌دهند که از آهن ساخته شده باشند و یاد آوری می‌کنند که مالک و سازنده آنها نه گرمای تهران و نه سرمای آنرا شناخته است (همان، ۶۶۸).

بعضی مواد دارای کیفیت سطحی غیر جذاب هستند، گچ یک مورد از آنهاست. چیزهایی وجود دارند که شخص می‌تواند با گچ انجام دهد تا کیفیت بافتش را بالا ببرد. اما هرگز نباید طوری دیگر نمایش داده شود که شبیه ماده دیگری شود. اکثر هنر مندان سعی می‌کنند ماده را بخاطر بافت سطحی طبیعی اش انتخاب کنند و آنها خیلی کم با آن به طور متقابل عمل می‌کنند هنر در انتخاب است، تا در تعارض. وقتی معمار بتن را استفاده می‌کند، او کیفیت سطحی آن را در طراحی اش مد نظر قرار داده است (کالیر، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

۵-۳-۵- پنجره در نماهای اصلی

دیوارهای بیرونی بناهای ما نمای شهرمان را شکل می‌دهند، این شکل، چه زیبا و خوش آیند باشد و چه نامطلوب، سرد و مبتذل جلوه کند، همیشه از طریق روزنه‌هایش با ما سخن می‌گوید: پنجره را باید دید، در پناه دیوار شهر باید زیست. از ترکیب پنجره‌ها و دیوار، شکل و هیبت اولیه نماهای شهری زاده می‌شوند و هنگامی که حجم‌های نمایانگر نماها کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، بزرگترین یا مهمترین عامل معرف هویت شهر می‌شوند.

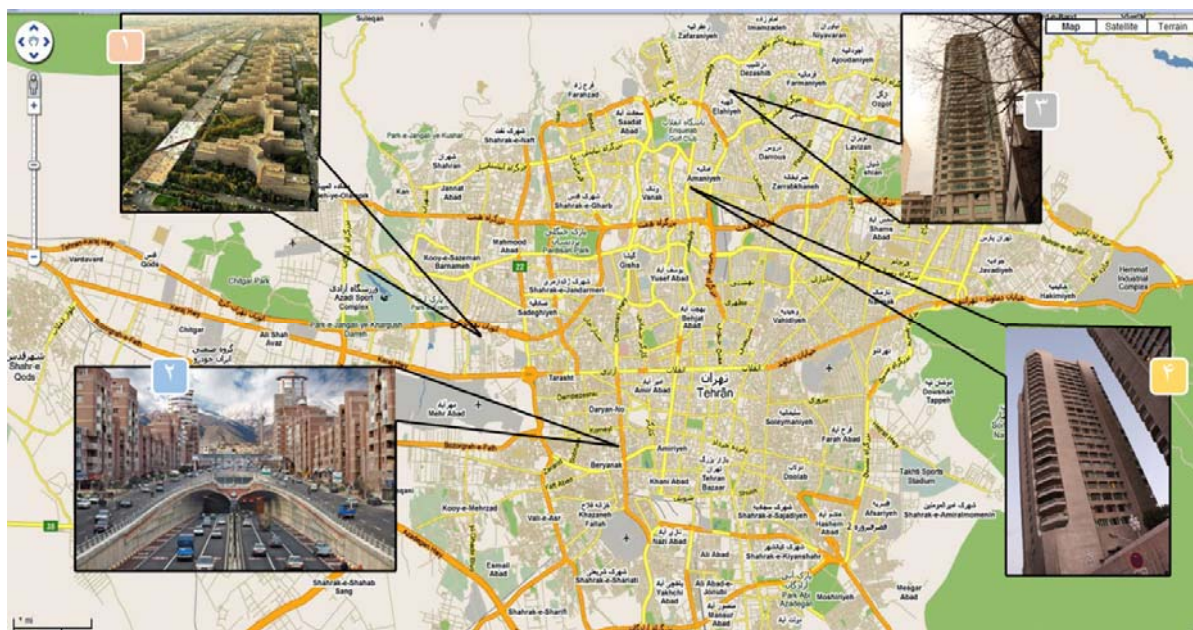


تصویر ۸. اشکال پنجره‌ها در ساختمانهای شهر تهران (عکس از: ریحانه کریمی، ۲۰۱۵)

۶. جامعه آماری و مورد پژوهی

در انتخاب نمونه‌های مورد پژوهش، محدوده زمانی ساخت بنا و مسئله قدمت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، ساختمانهای مسکونی اکباتان در سال ۵۷-۱۳۵۴ و ساختمان اسکان در سال ۵۶-۱۳۵۱ مورد طراحی و ساخت قرار گرفته اند، این در حالیست که محدوده طراحی و ساخت ساختمانهای پارسا و نواب به سالهای اخیر باز

می‌گردد. نمونه‌های مورد پژوهش در این جستار در مناطق مختلف شهر تهران قرار دارند که عبارتند از: مجتمع مسکونی اکباتان در منطقه ۵، در ناحیه ۶، مجتمع مسکونی نواب بترتیب در مناطق ۱۰ و ۱۱، در نواحی ۱ و ۳، مجتمع مسکونی پارسا در منطقه ۱، ناحیه ۷ و مجتمع مسکونی اسکان در منطقه ۳، ناحیه ۶ قرار گرفته اند.



تصویر ۹. موقعیت محدوده‌های مطالعاتی در شهر تهران (مأخذ: map.tehran.ir, 2015)



۴- مجتمع اسکان

۳- مجتمع پارسا

۲- مجتمع نواب

۱- مجتمع اکباتان

تصویر ۱۰. نمونه‌های مورد پژوهش (مأخذ: آرشیو شخصی نگارندگان)

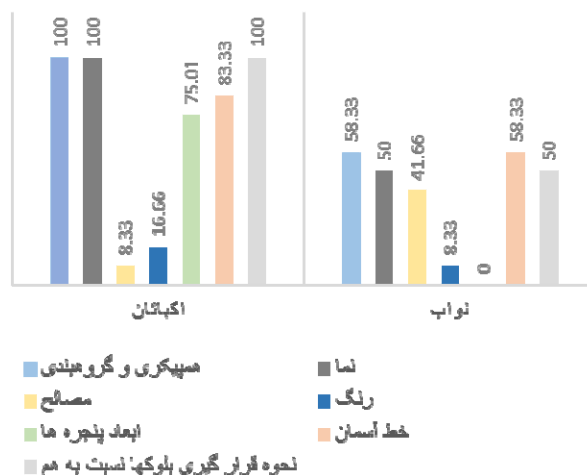
۷. تحلیل داده ها

در این بخش به بررسی و تحلیل اطلاعات کسب شده پرداخته شد، ضمناً شایان ذکر است که ۴ مجتمع مسکونی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند به صورت دو به دو،

ساختمانهای خوشه‌ای (اکباتان - نواب) و ساختمانهای منفرد (پارسا-اسکان) به صورت تطبیقی با هم مقایسه گردیدند.

| نحوه قرارگیری بلوک ها نسبت به هم | خط آسمان | ابعاد پنجره | رنگ | مصالح | نما | همپیکری و گروهبندی | |
|-------------------------------------|----------|-------------|--------|--------|------|-----------------------|---------|
| %۱۰۰ | %۸۳/۳۳ | %۷۵/۰۱ | %۱۶/۶۶ | %۸/۳۳ | %۱۰۰ | %۱۰۰ | اکباتان |
| %۵۰ | %۵۸/۳۳ | %۰ | %۸/۳۳ | %۴۱/۶۶ | %۵۰ | %۵۸/۳۳ | نواب |

جدول ۳. مقایسه آماری هویت در کالبد خارجی ساختمانهای خوشه‌ای (اکباتان - نواب) (مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۴. مقایسه آماری هویت در کالبد خارجی ساختمانهای خوشه‌ای (اکباتان - نواب) (مأخذ: نگارندگان)

این در حالیست که عواملی چون: رنگ و مصالح حایز کمترین امتیاز بوده اند. در ساختمانهای نواب نیز عواملی چون: همپیکری، نما، خط آسمان و نحوه قرارگیری بلوکها نسبت به هم بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند و عوامل رنگ و ابعاد پنجره کمترین امتیاز را.

در نهایت می‌توان به این نکته اشاره کرد که: عوامل همپیکری، نما، خط آسمان و نحوه قرار گیری بلوکها نسبت به هم از مهمترین و تاثیر گذارترین مولفه‌ها بر هویت بخش بودن در کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی خوشه‌ای در شهر تهران به شمار می‌روند.

۷-۲- بررسی و مقایسه آماری هویت در کالبد خارجی ساختمانهای منفرد (پارسا-اسکان)

در بررسی هویت در کالبد خارجی ساختمانهای منفرد عواملی، تاثیر گذارند که به سنجش هر یک از این عوامل که عبارتند از: نما، مصالح، رنگ و ابعاد پنجره‌ها در نمونه‌ها

۷-۱- بررسی و مقایسه آماری هویت در کالبد خارجی ساختمانهای خوشه‌ای (اکباتان - نواب)

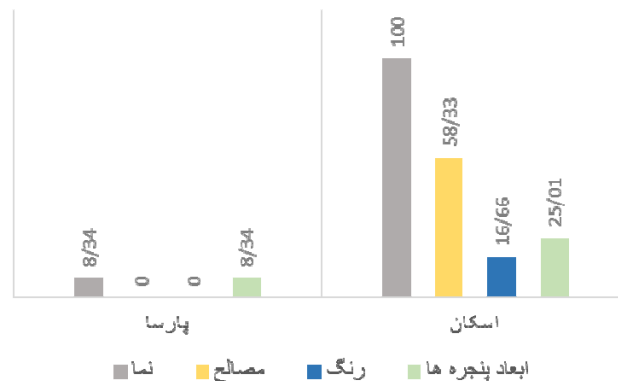
در بررسی هویت در کالبد خارجی ساختمانهای خوشه‌ای علاوه بر عاملی چون نما که خود تشکیل یافته از عواملی مانند: مصالح، رنگ و ابعاد پنجره‌ها است، مؤلفه‌های دیگری چون: همپیکری - گروهبندی، نحوه قرارگیری بلوکها نسبت به هم و همچنین خط آسمان نیز قابل بررسی است که به بررسی این عوامل در نمونه‌های خوشه‌ای پرداخته شده است و نتیجه حاصله در قالب آماری عددی بصورت جدول و نمودار ارائه گردید.

با توجه به نتایج کسب شده در نمونه‌های انتخابی در بخش ساختمانهای خوشه‌ای، در ساختمانهای اکباتان عواملی چون: نما، همپیکری و گروهی بودن ساختمانها و نحوه قرار گیری بلوکها نسبت به هم، حایز بیشترین امتیاز بوده اند. از این رو این عوامل را می‌توان، عواملی تاثیر گذار بر هویت بخشی به کالبد خارجی این ساختمانها دانست.

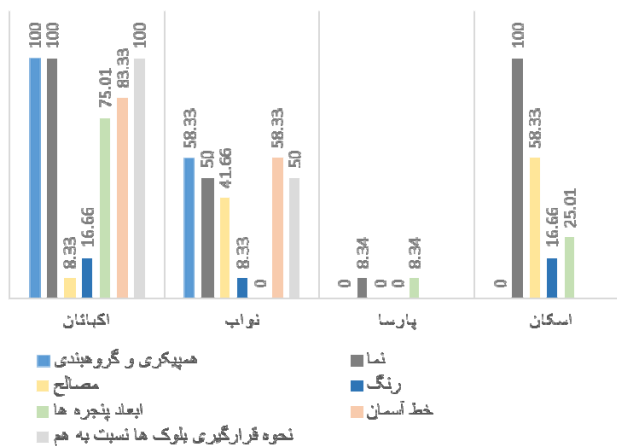
پرداخته شد. نتیجه حاصله در قالب آماری عددی بصورت جدول و نمودار ارائه گردید.

جدول ۴: مقایسه آماری هویت در کالبد خارجی ساختمانهای منفرد (پارسا-اسکان) (مأخذ: نگارندگان)

| نما | مصالح | رنگ | ابعاد پنجره | |
|-------|-------|-------|-------------|------|
| پارسا | ۰٪ | ۰٪ | ۸/۳۴ | |
| اسکان | ۵۸/۳۳ | ۱۶/۶۶ | ۲۵/۰۱ | ۱۰۰٪ |



نمودار ۵: مقایسه آماری هویت در کالبد خارجی ساختمانهای منفرد (پارسا-اسکان) (مأخذ: نگارندگان)



نمودار ۶: مقایسه آماری هویت در کالبد خارجی نمونه‌های موردی (مأخذ: نگارندگان)

این در حالی است که در ساختمان پارسا تمامی مولفه‌های انتخابی، امتیاز بالایی کسب نکرده اند، این مطلب حاکی از این می‌باشد که در طراحی نما و ساخت آن، به مسئله هویت کمتر بها داده شده است. حال در پایان می‌توان مولفه‌های تاثیر گذار بر هویت کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی منفرد را چنین باز شناخت: نما و مصالح.

۳-۷- مقایسه آماری هویت در کالبد خارجی تمام نمونه‌های

انتخاب شده

در بررسی نتایج حاصل از پژوهش در ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی منفرد، در ساختمان اسکان عواملی همچون: نما، مصالح بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند و عوامل رنگ و ابعاد پنجره کمترین امتیاز را.

جدول ۵: مقایسه آماری هویت در کالبد خارجی نمونه‌های موردی (مأخذ: نگارندگان)

| نحوه قرارگیری بلوک ها نسبت به هم | خط آسمان | ابعاد پنجره | رنگ | مصالح | نما | همپیکری وگروه‌بندی | |
|-------------------------------------|----------|-------------|--------|--------|-------|-----------------------|---------|
| ٪۱۰۰ | ٪۸۳/۳۳ | ٪۷۵/۰۱ | ٪۱۶/۶۶ | ٪۸/۳۳ | ٪۱۰۰ | ٪۱۰۰ | اکباتان |
| ٪۵۰ | ٪۵۸/۳۳ | - | ٪۸/۳۳ | ٪۴۱/۶۶ | ٪۵۰ | ٪۵۸/۳۳ | نواب |
| - | - | ٪۸/۳۴ | - | - | ٪۸/۳۴ | - | پارسا |
| - | - | ٪۲۵/۰۱ | ٪۱۶/۶۶ | ٪۵۸/۳۳ | ٪۱۰۰ | - | اسکان |

ساختمانهای اکباتان نسبت به ساختمانهای نواب با هویت‌تر به نظر می‌رسند. این در حالیست که در ساختمانهای اکباتان (خوشه ای) عوامل نما، همپیکری و نحوه قرارگیری بلوک‌ها نسبت به هم، بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند و به عنوان عوامل تاثیرگذار بر هویت بخشی بر کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی خوشه‌ای شناخته شده‌اند. همچنین این آزمایش در ساختمانهای منفرد نیز انجام گرفت، که بر اساس نتایج پژوهش، ساختمان اسکان در مقایسه با ساختمان پارسا با هویت‌تر به نظر می‌رسد. در نهایت، عواملی چون: نما، مصالح، ابعاد پنجره و رنگ بترتیب دارای اثراتی بر هویت بخشی به کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی منفرد در شهر تهران هستند.

در گام پایانی، با کسب نتایج حاصله از پژوهش، می‌توان به مثبت بودن فرضیه تحقیق اذعان نمود که حاکی از این مطلب می‌باشد که، نمای ساختمانها و سیمای شهری در حال حاضر به سوی بی هویتی گام بر می‌دارد. در نهایت با شناخت مولفه‌های هویت ساز، می‌توان به تعیین الگویی مناسب برای کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران پرداخت، که در شکل گیری سیمایی با هویت برای شهر تهران می‌تواند نقش بسزایی ایفا کند.

۸. نتیجه گیری

پس از انجام مطالعات و پژوهش‌های انجام یافته در راستای پاسخگویی به سوالات تحقیق، نتایج حاصله به سوال اول تحقیق، حاکی از این بود که درک هویت توسط افراد، رابطه‌ای دوجانبه است، بین اندوخته‌های ذهنی افراد و عینیتی که در قالب تصویر یا ساختمان مورد سنجش قرار می‌گیرد، که در نهایت، با توجه به متفاوت بودن اندوخته‌های ذهنی افراد، هویت اشیا یا ساختمان نیز از منظر افراد متفاوت خواهد بود.

در ادامه و در راستای پاسخگویی به سوال دوم تحقیق، عوامل هویت ساز در کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران، مورد شناسایی قرار گرفت که در ساختمانهای منفرد، این عوامل عبارتند از: نما، مصالح، رنگ و ابعاد پنجره. همچنین در ساختمانهای خوشه‌ای علاوه بر موارد ذکر شده قبلی، همپیکری یا گروهی بودن ساختمانها، نحوه قرارگیری بلوک‌ها نسبت به هم و خط آسمان نیز شامل این عوامل می‌باشند.

با شناسایی عوامل هویت ساز در کالبد خارجی ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی در شهر تهران، به آزمایش این مولفه‌ها در نمونه‌های موردی انتخابی، پرداخته شد، که بر اساس نتایج بدست آمده در نمونه‌های خوشه ای،

پی نوشت

1. Ericson
2. Morghan
3. stewart hall
4. charles jenks
5. Alexander
6. Rapapoort
7. Lynch
8. Faced
9. Daylman

فهرست منابع

- اسدالله زاده، سیروس (۱۳۵۳). روانشناسی رنگها، هفت هنر، شماره ۱۷، صص. ۸۲-۸۷.
- بمانیان، محمدرضا؛ نسیم غلامی رستم؛ رحمت پناه، جنت (۱۳۸۹). عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی، دو فصلنامه علمی - پژوهشی، مطالعات هنر اسلام، شماره ۱۳، صص. ۵۷-۵۶.

- بهزاد فر، مصطفی (۱۳۹۰). هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران، تهران، نشر شهر.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۲). پدیدار شناسی نمای ساختمانهای مسکونی و سیر تکوینی توقعات از آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۴، صص. ۵۳.
- حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید؛ فروزانگهر، حمیده (۱۳۸۷). پرسیمان تبعی در کالبد شهر و هویت، نشریه هویت شهر، شماره ۳، صص. ۱۸-۱۴.
- خطیبی، محمدرضا (۱۳۹۲). تاثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر، نشریه هویت شهر، شماره ۱۳، صص. ۶۵.
- سلسله، علی؛ سلسله، محسن (۱۳۸۸). بررسی تاثیر عوامل هویت (ایرانی اسلامی) بر زیبایی شهر، آرمانشهر، شماره ۲، صص. ۵۳.
- شولتس، نوربرگ (۱۳۸۷). معماری: حضور، زمان و مکان. ترجمه علیرضا احمدیان، تهران: نشر نیلوفر.
- عین الهی، کاوه (۱۳۹۲). موازین انتخاب رنگ در نما، مجله معماری و فرهنگ، شماره ۵۱، صص. ۲۳-۲۱.
- عزیز، محمد مهدی، متوسلی، محمد مهدی (۱۳۹۱). ارزیابی انواع ساختمانهای بلند مرتبه مسکونی از لحاظ تاثیر بر سیما و منظر شهری، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰، صص. ۹۵.
- فلاکی، محمد منصور (۱۳۸۹). گستره‌های معماری. تهران: نشر فضا.
- فاضلی، نسیم، ماهوتیها، فاطمه (۱۳۹۲). عوامل تاثیر گذار در طراحی رنگ نمای ساختمانهای مسکونی شهر قزوین، همایش ملی معماری و شهرسازی انسانگرا، شماره ۳.
- قطبی، علی اکبر (۱۳۸۷). معماری امروز ایران و مسئله هویت، آینه خیال، شماره ۱۰، صص. ۷۹-۷۸.
- کالیر، گراهام (۱۳۸۶). دید، فرم، فضا، ترجمه مریم مدنی، تهران: نشر مارلیک.
- کیمیاقلم، محمدشاپور (۱۳۹۱). شهرک اکباتان، مجله هنر معماری، شماره ۲۷، صص. ۱۱۴.
- لطفی، صدیقه؛ محمدی، عبدالحمید (۱۳۹۱). بررسی ارتباط نمادهای شهری با هویت شهر، فصلنامه جغرافیا، شماره ۲، صص. ۶۴-۶۲.
- لیتنج، کوین (۱۳۷۲). سیمای شهری، ترجمه منوچهر مزینی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- مهدوی نژاد، محمد جواد؛ بمانیان، محمدرضا؛ خاکسار، ندا (۱۳۸۹). تبیین معنای هویت در دوره‌های پیشا مدرن، مدرن و فرا مدرن، نشریه هویت شهر، شماره ۷، صص. ۱۱۶.
- میرمقتدایی، مهتا (۱۳۸۳). معیارهای شناخت و ارزیابی هویت کالبدی شهرها، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صص. ۳۴.
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۰). روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص. ۵۶-۵۵.
- میرزایی، شکوفه، تیموری، سیاوش؛ نژادستاری، سعیده (۱۳۹۱). معنا در مکان و آفرینش هویت، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲، صص. ۱۲.
- نقی زاده، محمد (۱۳۷۹). رابطه هویت «سنت معماری ایران» با «مدرنیسم» و «نوگرایی»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۷، صص. ۹۰.
- نقی زاده، محمد (۱۳۸۶). ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی)، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- [http:// map.tehran.ir](http://map.tehran.ir)
- http://www.parsine.com/files/fa/news/1394/3/31/132286_496.jpg.